

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Lietary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ – جرمنی

خواب پریشان

کس چه میداند که من در ملکِ المان خسته ام
از فراقِ میهن و تکلیفِ هجران خسته ام
میروم سیر و تماشا چون دلم مسرور نیست
بی گلِ روی وطن درباغ و بُستان خسته ام
هر قدم را بنگری کاکلِ زری ایستاده است
خاطرِم افسرده است از دیدنِ شان خسته ام
هر طرف موجِ گل و ساقی و جامِ پُر مُل است
من درینِ عشرتسرایِ کُفر و عصیان خسته ام
هر نفس در فکرِ میهن هستم و سودا و غم
کفرِ نعمت را ببین کز نقدِ دوران خسته ام
هر کرا دیدم غریقِ بحرِ تبعیض است و من
از بک و پشتون و تاجک دشمنِ همدیگرند
از تظاهرِ گُفتن، پشتون و دیگران خسته ام
اتحادِ ما درین دنیا چو عنقا بوده است
گشته ام دنبالِ وی بالا و پایان خسته ام
رفته رفته نوکرِ کفر و مُسلمان می شوم
بس که میبینم چنین خوابِ پریشان خسته ام
تا نباشد اتحاد و وحدتِ افغانیان
بی وطن، آواره و مهجور و حیران خسته ام

از من بیچاره گر "هاتف" بگیرد امتحان

ناظم از ترس و هراسِ روزِ پُرسان خسته ام

در مصراع اول بیتِ مقطع، اشاره به استادِ سخن
محترم محمد طاهر "هاتف" شده است.